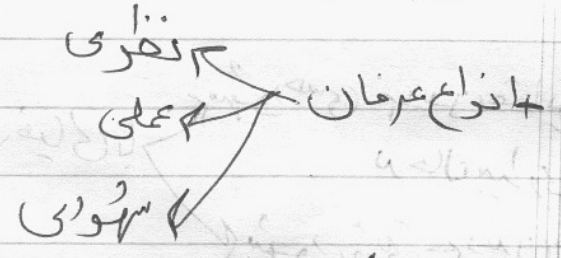


آغاز تاریخ عرفان از قرن ۲ است زیرا به خاطر رونق دینی حیا و ششتر قین، اولین بحث در مورد عرفان در آن زمان آغاز شد. متأسفانه ما هم از آنها بحث عرفان را نگرفتیم. در حالی که در این میان تفاسیر بی‌شمار و اتمه اظهار به اصحابشان کردند؟ آیا عجز و عرفان نبود؟ پس آغاز کننده بحث اخلاق و عرفان خود اتمه و امامان اند.

نکته: عرفان مثل سایر علوم اصلاهی دیگر باید دارای سند باشد یعنی سند اتصال به معصوم داشته باشد - ۷ سند در عرفان وجود دارد.

- دانش و علم بر اساس استدلال و استنتاج است و این هم بر اساس مبنای کلامی یعنی تلمیح تدریس کرده‌های خود واضح است. هم اخلاق و عرفان هم به عنوان دانش و علم است، هر چه بعضی از مفسران از تفسیر ما درین یا خرافات (ارسطوره) گرفته می‌شود اما در کل از مبنای کلامی گرفته شده است.



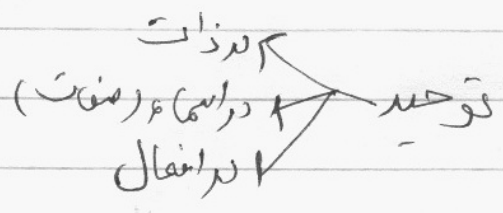
عرفان تقری:

تقر و استدلال در باب مسائل توحیدی: اول شناخت خدا. دوم وصال به خدا و تجلی در اسماء و صفات. سوم فتاء در خدا.

روش رسیدن به فتاء در خدا: اول میل به سعادت. دوم میل به سعادت با حیات طیبه. سوم رسیدن به حیات طیبه با بلوغ طیب.

امام صادق: کن عبد ال اسمی دون الهمی فقد لغز

مبانی عرفان:



وحدت است و در وجود ذات الهی) - بحث عقلی و فلسفی است و قابل شهود نیست

ذات الهی قابل درک نیست بلکه صفاتش ظهور می کند که تعلی آن ذات است
 [ذات حضور دارد اما ظهور ندارد]

وحدت شهودی است
 - شهود اسمائی
 - شهود افعالی
 - اول شهود در انسان، شهود اسمائی است
 - اولین اسمی که در انسان تعلی می کند اسمیع است

تعلی اسماء
 - با ترقی به با ایمان و عمل صالح
 - با تندی به با خدیه رحمانی

مراتب لطف و شهود
 - حسی - این لطف بر همه انسان قابل رویت است
 - خیالی (عام مثال)

مراتب شهود حسی
 ۱) صدق
 ۲) ذوق
 ۳) بقدر
 ۴) لمس
 ۵) بویایی
 - لطف خیالی با
 - شهود حسی - دیدن حقایق عالم در حال بیداری
 - شهود رؤیایی - دیدن حقایق در عالم رؤیا

از مبنای عرفان شیعی

خلافت الهی = ولایت (تصرف)
 - ولایت
 - کلیه (عام) شامل تمام انبیاء و اوصیاء به غیرت سراسر
 - عزیزت (خاص)

اسفار اربعہ:

۱) خلق بہ نفس و مابنی تفری

۲) نفس بہ حق — ورود بہ مقام ولایت و شناخت افضل الہی = توحید (فعلی)

۳) حق بہ حق

۴) حق بہ خلق — تجلی و ظهور تمام صفات ولایت نسبت بہ خلق

سفرهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ مابنی عملی می‌نویسد

حکیم ولایت } کسی که در ولایت بدرست او باشد یعنی اولین کسی که بر صدر
ولایت ایستاده
عزیز کسی که در آخرین صف ولایت ایستاده (امام عصر)